

راهبردهای عاشورایی بسیج

نویسنده: حجت‌الله ایزدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۸

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۹۱

چکیده

راهبرد امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مهم‌ترین، عام‌ترین و مؤثرترین نسبت بین قیام امام حسین(ع) و بسیج باشد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، تنها واجب مشترک بین خداوند، پیامبران، ائمه و مؤمنان است. این فریضه را می‌توان به عنوان راهبردی محوری که سبب حیات و بالندگی دیگر فرایض و اصل دین می‌شود، محسوب کرد. امام خامنه‌ای امر به معروف و نهی از منکر را یک واجب عمومی دانسته که در این میدان، بسیجیان باید پیشقدم باشند و این وظیفه بزرگ را بر دوش بگیرند.

در این مقاله، راهبرد امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین(ع) بررسی شده و به ویژگی‌های عام و خاص و تکالیف عالمان جامعه اسلامی توجه شده است؛ زیرا امام حسین(ع) تأکید ویژه‌ای بر تعهد عالمان دینی در انجام امر به معروف و نهی از منکر دارند. در نهایت، این امر در سیره عملی امام حسین(ع) در دوره‌های مختلف زندگی‌شان و قیام عاشورا به عنوان جدی‌ترین و آخرین مرحله تکلیف مورد بررسی قرار گرفته است. بسیج تنها زمانی انطباق کامل با فرهنگ حسینی(ع) پیدا می‌کند که از این حیث خود را بازتعریف کند. در این مقاله، اطلاعات موجود در فرمایشهای امام حسین(ع) در خصوص امر به معروف و نهی از منکر گردآوری و به فراخور بحث، چگونگی ارتباط آنها با وظایف و مسئولیتهای بسیج با تأکید بر رهنمودهای امام خامنه‌ای آورده شده است.

واژگان کلیدی:

بسیج، عاشورا، امام حسین(ع)، امر به معروف و نهی از منکر.

۱. استادیار تاریخ اسلام دانشگاه جامع امام حسین(ع)



راهبرد امر به معروف و نهی از منکر بر خلاف جایگاه رفیع و بی‌مثالش در آموزه‌های دینی، در طول تاریخ کمتر مورد توجه و اهتمام حقیقی جوامع اسلامی قرار گرفته است. از این رو، چون امام حسین(ع) با آنکر منکرات؛ یعنی بدترین منکرات (حکومت بنی‌امیه و به خصوص یزید) مواجه می‌شود، به دلیل اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر هزینه‌های سنگین عاشورایی را متحمل می‌شود. البته این مهم در طول زندگی پر برکت آن حضرت، دارای جایگاهی راهبردی است که ذیل آن بسیاری از آموزه‌های سیره‌اش قابل تبیین است. بدون تردید بسیج مستضعفین اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند احیای این راهبرد حیاتبخش است. از این جهت، به جای بسیج، در این موضوع بر سازمان بسیج مستضعفین تصریح شده که تعیین راهبرد کاری مدیریتی و سازمانی است. تبیین درست این فریضه محوری بر مبنای سیره امام حسین(ع)، می‌تواند کمک مؤثری برای تعریف وظایف فرهنگی و سیاسی سازمان بسیج باشد. قطعاً اگر این رویکرد مورد توجه قرار بگیرد، به انجام پژوهش‌های وسیعی برای فراهم کردن امکان عملی شدن آن نیاز است. در این مقاله کوشش شده است تا امر به معروف و نهی از منکر به عنوان موضوعی فراتر از سنخ فرایض، بلکه به عنوان راهبردی محوری مطرح شود که با تعریف درست آن می‌توان امکان اجرای همه فرایض و تحقق ارزشهای دینی را انتظار داشت. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در عاشورا و عاشورایی بودن بسیج می‌تواند بیانگر محوریت این راهبرد در بسیج باشد؛ چنانکه امام خامنه‌ای فرمودند: «بسیج ۲۰ میلیونی انقلاب اسلامی ثابت کرده است که در صراط حسین بن علی(ع) و در صراط عاشورا قدم برمی‌دارد». (نیروی مقاومت...، ۱۳۸۲، ص ۶۵)

ماهیت عاشورایی بسیج، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام امام حسین(ع) و ضرورت امروز جامعه، دلایل سه‌گانه‌ای هستند که ضرورت پرداختن به این بحث را اثبات می‌کنند. از این رو، در این مقام، ضمن تعیین اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، به ابعاد مختلف این موضوع در سیره عملی و نظری امام حسین(ع) پرداخته، با استناد به بیانات مقام معظم رهبری، ضرورت اهتمام سازمان بسیج به آن را نشان می‌دهیم.

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها فریضه مشترک بین خدای متعال(به تصریح قرآن کریم، خدای متعال نخست خود به آن اقدام کرده، بر خلاف بقیه



فرائض که بر بندگانش تکلیف فرموده است)، پیامبران الهی، اولیا و آحاد مردم است. از سوی دیگر، امر به منکر و نهی از معروف، خصلت پلید مشترک بین شیطان و منافقان است.

خدای متعال بندگانش را امر به عدل و احسان و واگذاری امانات به اهلش می‌فرماید: «ان الله یأمرکم بالعدل و الاحسان» (نحل، آیه ۹۰). همچنین: «ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (نساء، آیه ۵۸)؛ همانا خدای متعال به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش رد کنید.

خدای متعال، برترین بندگانش را امر به معروف فرموده است؛ خطاب به پیامبر (ص) امر می‌فرماید: «قل انما امرت ان اعبدا لله و لا اشرك به» (رعد، آیه ۳۶)؛ بگو جز این نیست که من مأمورم خدا را پرستش کنم و برای او شریکی قرار ندهم. همچنین آن حضرت را موظف به امر به معروف می‌کند: «خذ العفو و أمر به العرف و أعرض عن الجاهلین» (اعراف، آیه ۱۹۹)؛ عفو و گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان بده و از نادانان روی برتاب. «وَأمر اهلک بالصلواہ و اصطر علیها» (طه، آیه ۱۳۲)؛ خانواده‌ات را به نماز امر کن و خود با تمام نیرو بر آن شکیبایی کن.

همچنین در خصوص مؤمنان می‌فرماید: «ولتکن منکم امهٌ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» (آل عمران، آیه ۱۰۴)؛ باید از شما گروهی باشند که به کار خیر دعوت کنند و به کار نیک امر کنند و از کار بد بازدارند و آنهایند که رستگارند. «کنتم خیر امهٍ اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (آل عمران، آیه ۱۱۰)؛ شما مسلمانان بهترین گروهی هستید که برای مردم جهان پدیدار شدید به کار پسندیده امر می‌کنید و از کار زشت باز می‌دارید. «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه، آیه ۷۱)؛ و مردان و زنان مسلمان، دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند، به کار نیک فرمان دهند و از کار زشت باز می‌دارند.

در خصوص شیطان می‌فرماید: «الشیطان یدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء» (بقره، آیه ۲۶۸)؛ شیطان شما را وعده فقر می‌دهد و شما را به کار زشت (بخل و غیره) امر می‌کند. در خصوص منافقان نیز می‌فرماید: «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف» (توبه، آیه ۶۷)؛ مردان و زنان منافق برخی از برخی دیگرند (با هم پیوند اعتقادی و عملی دارند). به کار ناپسند فرمان می‌دهند و از کار پسندیده باز می‌دارند.

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر، فریضه مشترک بین خدای متعال، پیامبران، ائمه و مؤمنان بوده و مرز بین آنان با شیطان و منافقان است، برتری آن



نسبت به دیگر فرایض، شکل راهبردی پیدا می‌کند؛ یعنی بر دیگر فرایض، مقدّم و مسلّط است. خدای متعال حیات و برتری امت اسلامی را بر دیگر امم، در گرو همین فریضه می‌داند (آل عمران، آیه ۱۱۰). امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «ان الامر با المعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء فریضه عظیمه بها تقام الفرایض و تأمن المذاهب و تحلّ المكاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و تنصف من اعداء و یستقیم الامر» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۵)؛ به درستی که امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان و فریضه بزرگی است که به وسیله آن، فرایض برپا، راهها امن، درآمدها حلال، مظالم برطرف، زمین آباد، دشمنان ساکت و امر دین استوار می‌شود.

پیامبر (ص) می‌فرماید: «من أمرّ بالمرکوف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الارض و خلیفه رسوله» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۷۹)؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، پس خلیفه خدا در زمین و خلیفه پیامبرش است. همچنین فرمودند: «لا یزال الناس بخیر ما امروا بالمرکوف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البرّ و التقوی فاذا لم یفعلوا ذالک نزع منهن البرکات و سلّط بعضهم علی بعض و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لا فی السماء» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۱۸۱)؛ تا وقتی که مردم امر به معروف و نهی از منکر کرده، همکاری در نیکی و تقوا داشته باشند، در راه خیر و خوبی هستند. پس هنگامی که از امر به معروف و نهی از منکر دست بردارند، همه برکات از آنان گرفته شده و برخی بر برخی دیگر مسلّط شده و هیچ کس از زمین و آسمان به داد آنان نمی‌رسد.

امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «ما اعمال البر کلّها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمرکوف و النهی عن المنکر کنفثه فی بحر لجی» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴)؛ تمامی اعمال نیک و جهاد در راه خدا نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره‌ای است در دریای موج و بیکران.

از دقت در آیات و احادیث پیش گفته، امتیاز جایگاه فریضه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به فرایض دیگر روشن شده، می‌توان گفت که نسبت به دیگر فرایض، دارای سطح راهبردی است؛ یعنی دیگر فرایض ذیل این فریضه قرار گرفته و با انجام این فریضه، بقیه فرایض نیز انجام خواهد شد. از این جهت امام خامنه‌ای فرمودند: «[بسیج] یک نیروی رزمی محض نیست. یک نیروی مردمی، انسانی، الهی، اخلاقی، عملی، تربیتی و یک مجموعه آماده برای انجام کارهای بزرگ است» (نیروی مقاومت...، ۱۳۸۲، ص ۳۸۵) و فرمودند: «امروز وظیفه بسیج، حفظ



فضای سالم در کشور و منزوی کردن زشتی و آلودگی و غفلت و ریا و نفاق و شرک است» (همان). چنین بیانی از مقام معظم رهبری خطاب به سازمانی که اساساً در میدان جهاد شکل گرفته، نشان‌دهنده تغییر اولویتها در دوره کنونی نسبت به دوران دفاع مقدس و لزوم توجه جدی به امر به معروف و نهی از منکر است.

ویژگی امر به معروف و نهی از منکر در سیره نظری امام حسین (ع)

در این مقاله برای سازماندهی بهتر، بحث سیره امام حسین (ع) به دو بخش نظری (آنچه در کلام امام آمده) و عملی (آنچه از رفتار امام مشاهده شده) تقسیم شده است.

در زیارت روز دوشنبه که متعلق به زیارت امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) است، خطاب به سیدالشهداء (ع) می‌خوانیم: «اشهد أنك قد اقامت الصلوة و اتیت الزکات و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و عبدت الله مخلصاً و جاهدت فی الله حق جهاده حتی أتیک الیقین»؛ گواهی می‌دهم به درستی که تو نماز را به خوبی به پا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر فرمودی و خدا را با اخلاص بندگی کردی و حق جهاد او را آنچنان که شایسته بود به جا آوردی تا اینکه به درجه یقین رسیدی. این اختصاص امام حسین (ع) بین همه معصومین (ع) به امر به معروف و نهی از منکر نشان‌دهنده این حقیقت بزرگ است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اولیوی که به لحاظ زمانی در دوران امامت آن حضرت مطرح بوده، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است.

در بیان پیامبر (ص) گذشت که چون امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، همه برکات از مردم گرفته شده، گروهی بر آن سلطه پیدا کرده و دادرسی نخواهند داشت. همچنین فرمودند: «اذ لم یأمروا بالمعروف و لم ینهوا عن المنکر و لم تتبعا اختیار من اهل بیتی سلط الله علیهم شرارهم فیدعوا عند ذالک خیارهم و لا یستجاب لهم» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۵۴)؛ چون امر به معروف و نهی از منکر نکرده و برگزیدگان اهل بیت را پیروی نکنند، شرار آنان بر آنان مسلط شده، در آن هنگام چون درستکاران آنان دعا کنند، مستجاب نخواهد شد.

بارها امیرالمؤمنین (ع) فرموده بودند: به زودی بعد از من زمانی فرا خواهد رسید که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نخواهد ماند (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹). به اعتراف همه مورخان و تحلیلگران، در زمان معاویه، اسلام ناب از جامعه رخت برپست و آنچه ماند، همانی است که به اسلام اموی (دینی که وسیله‌ای شده بود



برای تسلط بر مردم، حاکم ساختن فاسقان، به بردگی گرفتن صالحان و به کمترین اتهامی قتل عام کردن آنان) معروف است. مگر نه این است که قرآن کریم فرمود: شیطان امر به فحشا و منافقان امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند؟ هنگامی که چنین قومی بر جامعه حاکم شوند، طبیعی است که همه امکانات و قدرت سیاسی جامعه، در خدمت گسترش منکرات و پیشگیری از خوبی‌ها قرار خواهد گرفت.

پس در زمان امام حسین(ع) نیز اسلام، قرآن، سنت پیامبر(ص) و سیره امیرالمؤمنین(ع) از جامعه رخت بر بسته بود؛ زیرا منافقان حاکم شده و امر به معروف و نهی از منکر واژگونه شده بود.

امام حسین(ع) فرمودند: «و قد سمعت رسول الله يقول الخلافة محرمة علی آل ابی سفیان و علی الطلقاء ماذا رأیتم معاویه علی منبری فأبقروا بطنه فوالله لقد رأه اهل المدینه علی منبر جدی فلم یفعلوا ما أمروا فابتلاهم الله بانه یزید زاده الله فی النار عذاباً» (ابن طاووس، ۱۳۸۴، ص ۲۰)؛ از پیامبر خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود خلافت بر آل ابوسفیان و بر آزادشدگان حرام است. هر گاه معاویه را بر منبر من دیدید، شکمش را پاره کنید. به خدا مردم مدینه او را بر منبر جدم دیدند و به آنچه امر شده بودند عمل نکردند. پس خدا آنان را به فرزندش یزید که خدا بر عذابش در جهنم بیفزاید، مبتلا کرد.

آن حضرت هنگام خروج از مدینه فرمودند: «اللهم انّ هذا قبر نبيک محمد(ص) و انا ابن بنت محمد فقد حضرني من الامر ما قد علمت اللهم انی احبّ المعروف واکراه المنکر انا أسألك یا ذالجلال والاکرام بحق هذا القبر و من فیہ اخترت من امری هذا ما هو لک رضی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۲۸)؛ پروردگارا به درستی که این قبر پیامبرت محمد(ص) است و من فرزند دخترش هستم. اکنون شرایطی برای من پیش آمده که خود می‌دانم. پروردگارا! من معروف را دوست دارم و از منکر بیزارم. ای پروردگار کریم، به حق این قبر و آن که در آن آرمیده، از تو می‌خواهم آنچه خیر در آن است برایم پیش بیاید.

از این رو، امام حسین(ع) همت خویش را به عنوان یک نقطه عطف، بر گسترش امر به معروف و نهی از منکر گذاشتند. به دلیل وضعیت خاص زمانی که با ترویج عقاید مرجئه^۱ و جبرگرایی، کاملاً مردم را از مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر رها ساخته بودند، لذا از راهبردهای اصلی امام حسین(ع)، نه تنها در قیام عاشورا،

۱. مرجئه گروهی بودند که می‌گفتند ایمان به اقرار است نه به عمل. همین که انسان بگوید مسلمانم، کافی است. آنچه باعث رفتن به بهشت یا جهنم می‌شود، لطف یا عدم لطف خداست و ربطی به عمل انسان ندارد. از این جهت، اعمال ظالمانه و فاسقانه بنی‌امیه توجیه می‌شد و انگیزه امر به معروف و نهی از منکر از بین رفته بود.



بلکه در طول حیات پربرکتشان، اهتمام به این امر عظیم قرار می‌گیرد. چون در دوران معاویه و یزید همه خطوط قرمز زیر پا گذاشته شد، اهتمام آن حضرت به امر به معروف و نهی از منکر بیشتر و جدی‌تر شد و در نهایت، مصیبت‌های عاشورا هزینه‌ای بود که برای تعهد به همین امر پذیرا شدند.

راهنمایی عمومی حضرت در خصوص امر به معروف و نهی از منکر

علاوه بر اقدامات فردی امام حسین(ع) در طول حیاتشان که با راهبرد فریضه امر به معروف و نهی از منکر قابل تعریف است، آن حضرت برای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نیز تعالیم و دستورهای بسیار کاربردی و مؤثری داشته‌اند. ایشان خطاب به عموم مردم می‌فرمودند: «صاحب الامر بالمعروف یحتاج الی ان یکون عالماً بالحلال والحرام فارغاً من خاصه نفسه ناصحاً للخلق رحیماً رفیقاً بهم و داعی الهمم باللطف حسن البیان عارفاً بتفاوت اخلاقهم بصیراً بمکر النفس لا یکافیهم لا یشکوا منهم و لا یستعمل الحمیه و لا یفتاظ لنفسه» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۷، ص ۸۳)؛ امر کننده به معروف باید به حلال و حرام عالم باشد. از قید نفس خود رها شده باشد. خیرخواه مردم باشد. با آنان مهربان و اهل مدارا باشد. با لطف آنها را به معروف دعوت کند. بیانش زیبا باشد. به تفاوت اخلاق مردم آگاه باشد. به کیدهای نفس آشنا باشد. به آنان سخت نگیرد. از آنان شکایت نکند. با تعصب با آنان برخورد نکند. بر آنان خشم نگیرد.

از آنجا که امام خامنه‌ای فرمودند: «مسئله امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز یاد گرفتنی است» (نیروی مقاومت...، ۱۳۸۲، ص ۶۳)، بجاست که بر تک تک کلیدواژه‌های موجود در فرمایش امام حسین(ع) برای آموزش و فرهنگ‌سازی در بسیج، کارهای علمی، تفسیری، اخلاقی و روان‌شناختی انجام شود.

همچنین فرمودند: «انگیزه‌هایتان را که همان انگیزه الهی است، حفظ کنید و افکارتان را عمق بدهید. ارتباطات محبت‌آمیز و برادرانه و صمیمانه را میان آحاد ملت تا آنجا که در توان شماست، مستحکم کنید. هوشیاری را زیاد کنید. استواری و ثبات جامعه را حفظ کنید. در راه هدفها و سیاستهای اعلام شده کشور در هر جا که هستید، تلاش کنید. انضباط و نظم اجتماعی را پاسداری کنید. نیروی مؤمن و حزب‌اللهی کشور! باید پرچم انضباط اجتماعی، پرچم رعایت حدود و موازین، پرچم همه ارزشها را در دست داشته باشید. با فقر هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌عدالتی هم شما باید مبارزه کنید. با فساد و فحشا هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌قانونی



و بی‌نظمی هم شما باید مبارزه کنید» (همان ص ۲۲۷). قطعاً عمل به همه آنچه امام خامنه‌ای در عرصه‌های مختلف اجتماعی از بسیج انتظار دارند، نیازمند شناخت، علم و ظرفیتهای اخلاقی است که باید طبق برنامه‌های آموزشی و تربیتی در سطوح مختلف بسیج ایجاد شود.

راهنمایی امام حسین(ع) به یاران خاص

امام حسین(ع) در خصوص یاران خاص خود و کسانی که از آن حضرت می‌خواستند بر ضد بنی‌امیه دست به قیام بزنند، رهنمودهایی دقیق داشتند؛ زیرا بزرگان از زاهدان و دانشمندان، همچون: حجر بن عدی و عمرو بن حمق خزاعی و افراد دیگر را به اتهام و جرم علوی بودن به شهادت می‌رساندند. از این رو، وقتی برخی از مردم کوفه نامه نوشتند و از آن حضرت خواهان اقدامی مؤثر شدند، امام چنین پاسخ دادند: «انی لأرجو أن یکون رأی اخی رحمہ اللہ فی الموادعہ. و رأیی فی الجہاد الظلمہ و رشداً و سداداً فالصقوا بالارض و اخفوا الشخص و اکتما الہوی واحترسوا من الأطاء مادام ابن ہند حیاً فان یحدث بہ حدّاً و أنا حیّ یأتکم رأیی ان شاء اللہ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۰۳)؛ من امیدوارم که نظر برادرم که رحمت خدا بر او باد رعایت شود. رأی من، در جهاد با ستمگران و پیشرفت و استواری است. پس فعلاً تا هنگامی که پسر هند زنده است، به زمین بچسبید و خود را پنهان کنید و گرایشهای سیاسی خویش را آشکار نکرده و از آفتابی شدن بپرهیزید. اگر او مُرد و من زنده بودم، به خواست خدا نظرم را خواهم گفت.

این نکته بیانگر آن است که امر به معروف و نهی از منکر در شرایط مختلف قابل بحث است. اما چون یزید حاکم می‌شود، دیگر امام حسین(ع) سکوت را جایز نمی‌دانند. اکنون شرایط جامعه به برکت رهبری امام خمینی(ره) و پیروزی انقلاب اسلامی متحوّل شده است و امکان عمل به این فریضه را فراهم کرده‌اند. از این رو، خواص بسیجی مانند روحانیون، استادان و دانشجویان، باید با شرایط جدید بازخوانی شود. امام خامنه‌ای فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر یک واجب عمومی است؛ اما در این میدان هم شما (بسیجیان) باید پیشقدم باشید و وظیفه بزرگ را بر دوش بگیرید؛ "ولتکن منکم امّہ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر"؛ آن امت در میان جامعه اسلامی، شما هستید. بسیج یک ذخیره تمام نشدنی برای انقلاب اسلامی است؛ باید این ذخیره را روزبه‌روز بیشتر کنید». (نیروی مقاومت، ۱۳۸۲، ص ۹۶)



خوشبختانه تفاوت امروز ما با عهد امام حسین(ع) در این است که اکنون ولیّ فقیه بر جامعه حاکم است و در نظام اسلامی نیاز به صبر و انتظار نیست، بلکه با تبیین درست مسائل و وظایف می‌توان به تعالی جامعه اسلامی کمک کرد.

حمایت از فعالان امر به معروف و نهی از منکر

حضرت نسبت به کسانی که به دلیل امر به معروف و نهی از منکر مورد اذیت و آزار حکومت قرار می‌گرفتند، موضع حمایتی داشتند. زمانی که قهرمان امر به معروف و نهی از منکر، حضرت ابوذر(س) در حال اعزام به محل تبعید خود بود، با وجود بخشنامه حکومتی که همگان را از بدرقه ابوذر منع و مروان را در رأس عده‌ای مأمور اجرای این بخشنامه کرده بود، امیرالمؤمنین(ع) همراه امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و عمار یاسر، با بی‌اعتنایی به بخشنامه و درگیری با مروان، ابوذر را بدرقه فرمودند. امام حسین(ع) علاوه بر بدرقه، در سخنانی بلیغ به تأیید ابوذر و نقد عثمان و آل امیه پرداختند و چنین فرمودند: «یا عمّاه ان الله تعالی قادر ان یغیر ما قد تری والله کُلّ یوم فی شأن و قد منعتهم القوم دنیا هم و منعتهم دینک فما اغناک عما منعوک و احوجهم الی ما منعتهم و إسأل الله الصبر و النصر و استعذ به من الجشع و الجزع فان الصبر من الدین و الکرّم و ان الجشع لا یقدم رزقاً و الجزع یا یؤخر أجلاً» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۴۱۱)؛ ای عمو! خدای متعال به تغییر آنچه می‌بینی، تواناست و خدا همواره در کار است. این مردم شما را از دنیاشان منع کردند و شما آنان را از بی‌دینی بر حذر داشتی، تو از آنچه از تو بازداشتند بی‌نیازی و آنها به آنچه آنان را بازداشتی، بسیار نیازمندند. از خدا صبر و پیروزی بخواه و از حرص و ناشکیبایی به او پناه ببر. صبر در دین، بزرگواری است و حرص، باعث زودتر به دست آوردن رزق نمی‌شود و بیتابی، مرگ را عقب نمی‌اندازد.

در زمان معاویه نیز همواره در مجالس رسمی که با شرکت معاویه تشکیل می‌شد، با صراحت به رفتار او نسبت به شهادت حجر و یارانش و عمرو بن حمق و دیگر کسانی که به دلیل امر به معروف و نهی از منکر به شهادت رسیده بودند، اعتراض می‌فرمودند.

امام خامنه‌ای فرمودند: «باید همه دستگاه حکومت ما از امر به معروف و نهی از منکر دفاع کند. این وظیفه است» (نیروی مقاومت...، ۱۳۸۲، ص ۷۱). «مأمورین و مسئولین، مگر می‌توانند امر به معروف و نهی از منکر را با دیگران مساوی قرار دهند؟ چه برسد به اینکه نقطه مقابل او را تأیید کنند». (همان، ص ۷۲)



علمای دینی؛ مخاطبان اصلی امام حسین(ع) در امر به معروف و نهی از منکر
دستگاه تبلیغاتی بنی‌امیه - به خصوص در سالهای آخر عمر معاویه - دست به تبلیغات وسیعی برای توجیه افکار عمومی و منزوی کردن اهل بیت(ع) زدند. آنان کانون تبلیغات خود را در مدینه و مکه قرار دادند. از این رو، امام حسین(ع) در این روزگار (سال ۵۸ ق)، بزرگان و دانشمندان جهان اسلام را در منی گرد آوردند و مسئولیت خطیر امر به معروف و نهی از منکر را یادآوری فرمودند. آن حضرت به نقش علما در این مهم و جایگاهی که در جامعه داشتند تأکید و مسئولیت عواقب همه آنچه در جامعه در حال وقوع است و آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد را متوجه آنان ساختند.

نخست، ویژگی‌های منحصر به فرد اهل بیت(ع) و امیرالمؤمنین(ع) را از دیدگاه قرآن و سنت به تفصیل به آنان یادآوری فرمودند و آنگاه هشدار دادند که: ای مردم! عبرت بگیرید و پند بیاموزید از آنچه خدا دوستان خود را با سرزنش کردن علمای یهود پند داده است؛ آنجا که می‌فرماید: «لولا ینہام الربانیون و الاحبار عن قولہم الاثم» (مائده، آیه ۶۲)؛ چرا خداشناسان و بزرگان، آنها را از ناسزا گفتن و حرام خوردنشان منع نمی‌کنند و فرمود: «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل لبئس ما کانوا یفعلون» (مائده، آیه ۷۸)؛ از بنی اسرائیل آنان که به کفر گراییدند، لعنت شده‌اند. تا آنجا که فرمود: و چه بد بود اعمالی که انجام می‌دادند. چرا خداوند آنان را سرزنش می‌کند؟ برای اینکه آنان ستمگران را می‌دیدند که ستم روا می‌دارند و فساد برمی‌انگیزند، ولی آنان را نهی نمی‌کردند تا توسط ستمگران به نوایی برسند و از گزند آنان در امان باشند؛ در حالی که خداوند می‌فرماید: «فلا تخشوا الناس و أخشون» (مائده، آیه ۴۴)؛ از مردم نهراسید، فقط از من بیمناک باشید. و می‌فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر» (توبه، آیه ۷۷)؛ مردان و زنان مؤمن، دوستداران یکدیگرند و به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند.

خداوند در آیهٔ اخیر، امر به معروف و نهی از منکر را اولین فریضه قرار داده؛ زیرا اگر به انجام آن اقدام شود، تمام فرایض، چه آسان و چه دشوار، عمل می‌شود. علاوه بر این، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت کردن به اسلام است، همگامی در طرد ستمگری‌ها و مخالفت با ستمگران و دعوت کردن به تقسیم عادلانهٔ بیت‌المال و غنایم و گرفتن مالیات از چیزهایی که در اسلام مشخص شده و مصرف آن در جایگاه اصلی خویش است.



الف) جایگاه عالمان در جامعه و کوتاهی آنان در امر و نهی: امام حسین (ع)

در ادامه خطبه در سال ۵۸ ق می‌فرمایند: شما ای بزرگان که در علم و دانش پرآوازه‌اید و در خیر و نیکی زبانزد دیگرانید و در نصیحت و پند دادن شهرت دارید و به خاطر خدا در دل مردم شکوه و عظمت دارید که افراد نیرومند شما را به حساب می‌آورند و ناتوانان شما را گرمی می‌دارند و کسانی خود را بر شما ایثار می‌کنند که هیچ برتری بر آنان ندارید و آنگاه که خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شود، از شما شفاعت می‌جویند و شما با شکوه پادشاهان و عظمت بزرگان در میان آنان راه می‌روید! این همه احترام و کرنش برای این است که مردم امید دارند تا شما به احیای حقوق خداوند قیام کنید. اما شما در بیشترین موارد از ادای حق الهی کوتاهی کردید و حقوق ائمه را سبک شمردید. حق ضعیفان و بینوایان را پایمال نمودید. شما آنچه حق خود تصور می‌کردید، به ناروا گرفتید؛ ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و خویشانتان برای رضای خدا بریدید. آیا با این اعمال زشت، بهشت خدا و همجواری پیامبران را آرزو دارید و می‌خواهید از عذاب خدا در امان باشید؟

ای کسانی که چنین آرزوهایی را از خدا دارید! می‌ترسم بر شما عذابی از عذابهای خدا نازل شود؛ زیرا شما در پرتو عنایات خدا به مقامی رسیدید که بر دیگران برتری پیدا کردید. چه بسیارند کسانی که مورد احترام مردم نیستند، ولی شما در میان بندگانش احترام دارید.

شما می‌بینید که پیمانهای الهی در هم شکسته می‌شود، ولی هیچ دم نمی‌زنید و بر هراس نمی‌افتید؛ در حالی که برای در هم شکستن بعضی از پیمانهای پدرانتان ناله سر می‌دهید. شکسته شدن پیمانهای رسول خدا را نادیده می‌گیرید. کورها، لاله‌ها و فلجها در شهرها بی‌سرپرست مانده‌اند و شما نه رحمی بر آنان می‌کنید و نه عملی که در خور شأنتان باشد انجام می‌دهید و نه قصد انجام آن را دارید. فقط با چاپلوسی و تملق پیش ستمگران، رفاه و آسایش خویش را می‌جویید. خدا دستور فرموده است از این اعمال پلید جلوگیری شود؛ ولی شما از آن غافلید. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴)

ب) سلطه ستمگران، نتیجه کوتاهی عالمان: در ادامه خطبه می‌فرمایند:

شما مصیبت‌بارترین مردم هستید؛ زیرا از آن مسئولیتها، عالمانه و آگاهانه و آگاهانه دست کشیدید و علت همه رفتاری‌ها آن است که زمام امور و اجرای احکام باید به دست دانشمندان الهی باشد که در رعایت حلال و حرام خدا امین هستید. ولی این مقام و منزلت از شما سلب شده است؛ چرا که از محور حق پراکنده شدید و با وجود



دلایل روشن در سنت پیامبر(ص) اختلاف کردید. اگر به رنجها و آزارها شکیبایی داشتید و سختی‌های راه خدا را تحمل می‌کردید، اجرای امور دین خدا به دست شما می‌افتاد ولیکن شما ستمگران را در مقام و منزلت خود جایگزین کردید و امور دین را به دست آنان سپردید. و آنان به اشتباه عمل می‌کنند و در شهوات خود گام برمی‌دارند و بر شما مسلط شدند.(همان)

ج) دنیاطلبی عالمان و آثار زیانبار آن: چون شما از مرگ فرار کردید و عاشقانه به زندگی گذرا دل سپردید و ضعیفان و ناتوانان را در دست ستمگران رها ساختید تا برخی را برده و مقهور خود ساختند و برخی را برای لقمه نانی بیچاره و ناتوان کردند. ستمگران در ملک خدا طبق میل و خواسته خود گام برمی‌دارند و با تمایلات خود راه پستی و مذمت را هموار می‌سازند؛ از اشرار پست فطرت پیروی می‌کنند و جسورانه در برابر خدای متعال می‌ایستند. در هر شهری بر فراز منبر گوینده‌ای دارند که فریاد می‌زنند و با صدای بلند سخن می‌گویند. زمین در تسلط کامل آنان است و دستشان از این جهت باز و گشوده است. مردم، بردگان آنانند؛ آن‌گونه که هر دستی بر سر آنان کوبیده شود، قادر به دفاع نیستند.(همان، ص ۱۶۷)

د) حاکمیت جباران و وظیفه امام: گروهی از جباران کینه‌توز سخت بر بینوایان چیره گشته‌اند و گروهی فرمانروایانی هستند که نه خدا را می‌شناسند و نه روز معاد را باور دارند. در شگفتم! چرا در شگفت نباشم؟! که زمین را مردی حيله‌گر و مکار و فردی تیره‌روز تصرف کرده و بار مسئولیت مؤمنین را کسی بر دوش کشیده که هرگز به آنان رحم نمی‌کند. خدا در این نزاعی که بین ما و او در گرفته، بهترین حاکم است و در نبرد ما با او، قضاوت خواهد کرد.(همان)

در پایان خطبه آن حضرت به عالمان جهان اسلام چنین اتمام حجت فرمودند: پروردگارا به درستی که تو می‌دانی آنچه ما انجام می‌دهیم، رقابت برای سلطنت یا به دست آوردن دنیایی ناچیز نیست، بلکه برای آن است که نشانه‌های دین آشکار شود و در شهرهای تو اصلاح صورت پذیرد و بندگان مظلومت احساس امنیت کنند. به واجبات و احکام و سنتها عمل شود. پس اگر درباره ما به انصاف رفتار نکرده و ما را یاری نکنید، ستمگران بر شما قدرت یافته، در خاموش ساختن نور پیامبران می‌کوشند. خدا ما را کافی است؛ بر او توکل می‌کنیم، به سوی او انابه می‌کنیم و به سوی او خواهیم رفت.(همان، ص ۱۶۸)

از آنجا که سازمان بسیج مستضعفین نخبگان فرهنگی و علمی جامعه از جمله: استادان، طلاب، دانشجویان، مهندسان، پزشکان، معلمان و... را نیز شامل می‌شود،



همچنین از آنجا که این گروهها به عنوان گروههای مرجع اجتماعی مورد توجه آحاد جامعه‌اند و می‌توانند در مسئله امر به معروف و نهی از منکر پیشقدم و تأثیرگذار باشند، به این موضوع با تفصیل بیشتری به فرموده‌های امام حسین(ع) استناد شد. قطعاً تبیین راهبرد امر به معروف و نهی از منکر و تعیین شیوه تحقق آن، از این بخشهای بسیج انتظار می‌رود.

امر به معروف و نهی از منکر در سیره عملی امام حسین(ع)

آنچه در قسمت قبل گذشت، فرمایشهای امام حسین(ع) و احادیثی بود که از آن حضرت در بحث امر به معروف و نهی از منکر آمده بود؛ اکنون برخی از موارد اقدام عملی حضرت امام حسین(ع) را در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تأییدات عملی قسمت‌های قبل بررسی خواهیم کرد.

تماس امام(ع) با نخبگان امامت

مسئلاً در عصر امام حسین(ع) به دلیل شدت خفقان و سرکوب شدید، با اقدامات فردی و گروهی، کاری از پیش نمی‌رفت. می‌بایست امر به معروف و نهی از منکر به صورت عمومی انجام و نهضتی برای اقامه این فریضه در جامعه ایجاد می‌شد و البته کسانی که می‌توانستند چنین مهمی را عملی کنند، عالمان و بزرگان جامعه اسلامی بودند. امام(ع) علاوه بر تماسهای جمعی با افراد شاخص و برجسته جامعه، طی سخنانی چهره به چهره، سعی در ایجاد تعهد نسبت به انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمود. آن حضرت در طول مسیر مدینه تا کربلا در دیدار با افرادی چون: جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عبیدالله بن عباس، محمد بن حنیفه، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن جعفر، فرزاد بن عبدالله بن حر جعفی، زهر بن قین، حر بن یزید ریاحی، عمر بن سعد و ... به تلاشهای جدی دست زدند و علاوه بر این، طی نامه‌هایی به بزرگان شهرهای کوفه و بصره و برخی از بزرگان جامعه اسلامی، توجیه و تبیین آنان که نمی‌توانستند با ایشان ملاقات حضوری داشته باشد، پرداختند.

همچنین طی نامه‌ای کوتاه و شفاف نسبت به بنی‌هاشم که قطعاً مسئول‌ترین طوایف نسبت به اسلام و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بودند، چنین نوشتند: «من در حال آماده شدن به حرکت هستم. هر کس با من همراهی کند، شهید خواهد شد و هر کس حرکت نکند، پیروزی نخواهد یافت.» (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۴۹)



ستیزه‌جویی با حکومت طاغوتی

امام حسین (ع) گفتار خویش را در تشویق به امر به معروف و نهی از منکر، صادقانه در عمل تحقق بخشید و از هیچ خطری نهراسید. بین شخصیت‌های آن زمان، امام حسین (ع) از موقعیتی ممتاز برخوردار بود و هیچ شخصیتی قابل مقایسه با ایشان نبود. آن حضرت به دلیل فرزند رسول‌الله (ص) بودن، حرمت خاصی نسبت به دیگران داشت و راحت‌تر از دیگران، حتی به صورت فردی می‌توانست به امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، آن حضرت راهبرد اصلی خویش در مسائل سیاسی-اجتماعی را امر به معروف و نهی از منکر قرار داده بود. در بین منکرات، هیچ منکری را خطرناک‌تر از بنی‌امیه نمی‌دانست و وقتی یزید به خلافت رسید، این خطر به اوج رسیده بود. قرآن کریم به صراحت، مسلمانان را امر فرموده که به عبادت خدا پرداخته، از طاغوت اجتناب ورزند: «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا ان یکفروا به» (نساء، آیه ۶۰)؛ اراده کرده‌اند که طاغوت را حاکم بر خویش سازند؛ حال آنکه به آنان امر شده که به او کفر بورزند.

حضرت فرمود: «نحن و بنو امیه اختصمنا فی الله عزوجل، قلنا صدق الله و قالوا کذب الله. فنحن و ایاهم الخصمان یوم القیامه» (شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲)؛ ما و بنی‌امیه در موضوع خدای متعال در ستیزیم. ما گوئیم خدا راست گفت و آنها گویند خدا دروغ گفت. پس ما و آنان در روز قیامت هم دشمن یکدیگریم.

امر به معروف و نهی از منکر توسط امام (ع) در دوران قبل از یزید، خود تفصیلی مناسب دارد؛ به خصوص در دوران خلافت معاویه این موضوع از صراحت و تداوم چشمگیری برخوردار است. روزی که معاویه امام را خواست که با ولایتعهدی یزید بیعت کند، حضرت در اجتماع باشکوهی که وی ترتیب داده بود حضور یافت و با خطبه‌ای فصیح به افشای جنایات معاویه و خباثت‌های یزید و ستمکاری‌های بنی‌امیه پرداخت. در بخشی از این خطبه چنین فرمود: «ای معاویه! آنچه درباره کمالات یزید و لیاقت وی برای امت محمد (ص) برشمردی، شنیدیم. قصد داری طوری به مردم وانمود کنی که گویا فرد ناشناخته‌ای را توصیف می‌کنی یا فرد غایبی را معرفی می‌کنی یا از کسی سخن می‌گویی که گویا تو درباره او علم و اطلاع مخصوصی داری؛ در حالی که یزید، ماهیت خود را آشکار ساخته و موقعیت سیاسی-اجتماعی و اخلاقی خویش را شناسانده است. از یزید آن‌گونه که هست بگو؛ از سگ‌بازی‌اش، کبوتربازی‌اش، عیاشی و خوشگذرانی‌اش گفته و آنچه در پیش گرفته‌ای کنار بگذار. آیا گناهایی که تا کنون درباره امت محمد (ص) بر دوش خود

بار کرده‌ای تو را کافی نیست؟» (طبری، ۱۹۶۸، ج ۳، ص ۲۴۸)



وقتی یزید پس از رسیدن به حکومت، به حاکم مدینه نامه نوشت و خواست از امام(ع) بیعت گرفته شود، حضرت فرمودند: «انا لله و انا اليه راجعون. و علی الاسلام والسلام اذ قد بليت الامه براع مثل یزید» (ابن طاووس، ۱۳۸۴، ص ۲۰)؛ ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. هنگامی که امت به حاکمی چون یزید مبتلا شد، باید با اسلام خداحافظی کرد.

حضرت چون با نصیحتها و خیرخواهی‌های برادرش محمد بن حنیفه مواجه شد، ضمن مکتوبی که به وصیت‌نامه امام مشهور است، خطاب به وی چنین نوشت: «انّی لم اخرج أشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی اريد ان أمرَ بالمعروف و نهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی‌طالب...» (ابن اعثم، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۳)؛ من برای ایجاد شر یا سرکشی، فساد یا ظلم قیام نکردم، بلکه فقط برای ایجاد اصلاح در امت جدّم قیام کردم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدّم و پدرم علی بن ابی‌طالب عمل کنم. همچنین امام(ع) ضمن نامه‌ای خطاب به بزرگان کوفه نوشتند: «فقد علمتم ان رسول الله(ص) قد قال فی حیاته من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام او تارکاً لعهد الله و مخالفاً لسنة رسول الله فعلم فی عبادالله بالاثم و العدوان ثم لم یغیروا علیه بقول و لا فعل کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۶۷)؛ شما نیک می‌دانید که پیامبر(ص) فرمودند: هر کس در زمان خود، سلطان ستمگری را دید که حلال خدا را حرام کرد، عهد خدا را رها ساخته و با سنت پیامبر(ص) مخالفت کند و در بین بندگان خدا با گناه و دشمنی رفتار کند و با حرف و عمل با او مخالفت نکند، بر خدا واجب است به همان جایی که سلطان ستمگر را وارد می‌کند، او را نیز وارد کند.

«و قد علمتم ان هؤلاء لزموا طاعه الشیطان و تولّوا عن طاعه الرحمن و اظهروا الفساد و عطّلو حدود و استأثروا بالفیء و احلّوا حرام الله و حرّموا حلاله و انا احقّ من غیری بهذا الامر لقرايتی من رسول الله» (همان)؛ نیک می‌دانید که اینان پیرو شیطان شده و از اطاعت خدا سر باز زده‌اند؛ فساد را حاکم و حدود خدا را رها ساخته، بیت‌المال را مال خود می‌دانند. حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می‌دانند. و من به حکومت از همه محق‌ترم؛ به دلیل اینکه فرزند رسول خدایم.

امام حسین(ع) به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف و زحمت نگاه نمی‌کردند، بلکه به آن عشق می‌ورزیدند و هزینه‌های آن را به راحتی به جان می‌خریدند؛ آنچنان که در اوج نصیحتهای روز عاشورا فرمودند: «الهی و سیدی وددت ان أقتل و أحيی سبعین الف مرّه فی طاعتک و محبتک سیّما اذا کان فی



قتلی نصره دینک و احیاء امرک و حفظ ناموس شرعک ثم انی قد سئمت الحیاط بعد قتل الاحبه و قتل هؤلاء الفتیة من آل محمد(ص) «همان، ص ۵۴۵»؛ پروردگار و آقای من! دوست دارم هفتاد مرتبه در راه پیروی و محبت تو کشته شوم و دوباره زنده شوم؛ به خصوص وقتی با کشته شدنم دین تو یاری می‌شود و شریعت زنده می‌گردد؛ به خصوص الان که دوستان من و جوانان آل محمد(ص) کشته شده‌اند، زنده ماندن را خوش ندارم.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین راهبرد عاشورایی سازمان بسیج مستضعفین،^۱ به اعتبار جایگاه این و آن در قیام امام حسین(ع) و ضرورت امروز امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با همه نیکی‌های قابل تصور، همچون اقیانوسی بیکران در برابر قطره‌ای است و به حق، وظیفه‌ای الهی است؛ زیرا اولین امر به معروف و ناهی از منکر، وجود باری تعالی است. پیامبران و ائمه(ع) و به تبع آنان، مؤمنان، باید به عنوان خلیفه خدا و خلفای رسول خدا(ص) به این وظیفه توجه ویژه داشته باشند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مرزهای ایمان و نفاق است. حقیقت ایمان مؤمنان از میزان اهتمام به این وظیفه شناخته می‌شود. امام حسین(ع) پرداختن به این وظیفه را موجب تحقق همه ابعاد دین در جامعه دانسته‌اند. امام خامنه‌ای آن را واجب (مانند نماز) دانسته و نقش و وظیفه بسیج را در تحقق آن، به صورت ویژه مورد تأکید قرار داده‌اند. در زمانی که بنی‌امیه با تبلیغ جبرگرایی و مرجئه‌گری، جامعه را از تعهدات دینی (امر به معروف و نهی از منکر) خالی کرده بودند، امام حسین(ع) در حالی که خود دائماً به این امر عظیم مشغول بودند، رهنمودهای بسیار کاربردی و دقیق به گروه‌های مختلف اجتماعی برای احیای این وظیفه داشته‌اند. نخست، شرایط لازم برای تحقق این وظیفه عمومی را برای آحاد جامعه تدوین فرمودند. سپس به یاران خود که وجهه همت آنان آنکر منکرات (حکومت بنی‌امیه) بود، نکات دقیق امنیتی و حفاظتی را گوشزد می‌فرمودند؛ زیرا کمترین بی‌توجهی، سبب تحمّل بزرگ‌ترین هزینه‌ها می‌شد. آن حضرت ضمن راهنمایی یاران خاص خویش در این عرصه، وظیفه اصلی را متوجه عالمان جهان اسلام دانسته، در خطبه‌ای مفصل ضمن آسیب‌شناسی رفتار آنان با حکومت اموی، مسئولیت خطیر آنان را خاطر نشان فرمودند.

۱. علت اینکه به جای بسیج، سازمان بسیج مستضعفین به کار رفته، این است که امر به معروف و نهی از منکر را در سطح راهبردی مورد بحث قرار داده‌ایم و تعیین راهبرد بر عهده سازمان است.



اکنون نیز به نظر می‌رسد، فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر آنگونه که شایسته جامعه اسلامی است، مورد توجه نمی‌باشد و باتوجه به اینکه بسیج که به فرمایش امام خامنه‌ای، امه یدعون الی الخیر است، باید به عنوان یک سیاست راهبردی به آن نگاه کرده، ضمن تبیین این راهبرد و تعیین شیوه‌های تحقق آن، سعی در مرسوم کردن آن در جامعه داشته باشد.

امام حسین(ع) در رأس همهٔ مسلمانان متعهد شخصاً اقدام به مؤثرترین عمل در جهت احیای امر به معروف و نهی از منکر فرمودند. البته صحنهٔ عاشورا آخرین و مؤثرترین بخش سیرهٔ آن حضرت است. مهم‌ترین وظیفهٔ سازمان بسیج مستضعفان به عنوان بخشی از جامعهٔ اسلامی که هویتی حسینی و عاشورایی دارد، بازخوانی سیرهٔ آن حضرت متناسب با نیازهای زمان و عمل به آن است. همان طور که از سیرهٔ امام حسین(ع) فهمیده می‌شود، در طول زندگی ایشان، عمل به امر به معروف و نهی از منکر، امری مسلم و انکارناپذیر بوده است؛ تا حدی که می‌توان آن را راهبردی محوری در فعالیتهای فرهنگی و سیاسی اجتماعی آن حضرت نامید؛ راهبردی که با در دستور کار قرار گرفتن آن، همهٔ ابعاد این سنت پیامبر احیا خواهد شد و در صورت فراموشی، بقیهٔ اعمال مانند حج و نماز، به وسیله‌ای در دست جباران و حاکمان طاغوت تبدیل می‌شود.

همان گونه که در سیرهٔ نظری و عملی امام حسین(ع) مشهود است، گروه‌های نخبهٔ جامعه همچون: استادان و طلاب بسیجی، در تبیین راهبرد امر به معروف و نهی از منکر و تعیین شیوه‌های تحقق آن و همچنین پیشقدم شدن در عمل به آن، از جایگاه ممتازی برخوردارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی (بی تا)، قم، مشرقین.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ق)؛ شرح نهج البلاغه، قم، منشورات المکتب، چ دوم.
۴. ابن اعثم کوفی (۱۴۰۶ ق)؛ الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴ ق)؛ تحف العقول عن آل الرسول، قم، دهر اسلامی.
۶. ابن طاووس (۱۳۸۴)؛ اللهوف، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم، نبوغ.
۷. ابومحنف، لوط بن یحیی (بی تا)؛ وقعه الطف، قم، دارالکتب.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق)؛ وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
۹. دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۰. شریف قریشی، باقر (۱۴۱۳ ق)؛ حیاہ الامام حسین بن علی، بیروت، دارالبلاغه.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۲)؛ امالی، تهران، کتابخانه اسلامی، چ چهارم.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین (بی تا)؛ خصال، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. طبری محمد بن جریر (۱۹۶۸ م)؛ تاریخ الامم و الملوک، مصر، دارالمعارف.
۱۴. طوسی، ابوجعفر (۱۳۶۵)؛ تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۰)؛ مفاتیح الجنان، تهران، دفتر نشر فرهنگ انقلاب اسلامی، چ ششم.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)؛ بحار الانوار، بیروت، الوفا.
۱۸. محمد بن سعد (۱۴۰۵ ق)؛ الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
۱۹. نجمی، محمدصادق (۱۳۷۰)؛ سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا کربلا، قم، دفتر نشر اسلامی.
۲۰. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ ق)؛ مستدرک الوسائل، قم، آل البیت (ع).
۲۱. نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: طلابیه داران ظهور (۱۳۸۲)؛ تهران، مؤسسه فرهنگی هنری رزمندگان اسلام.